

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۳

معرفی نسخه خطی «مجموعه اشعار فارسیه للشعراء المتقدمین» معروف به «جنگ

یحیی توفیق» و سیری در سبک نثری آن

(ص ۲۰۲-۱۸۷)

حانیه کریمی (نویسنده مسئول)^۱، دکتر احمد حسنی رنجبر هرمزآبادی^۲

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۴

چکیده

نسخه‌های خطی شامل اطلاعات تاریخی و ادبی ارزشمندی است که میتواند برای پژوهشگران ادبی بسیار سودمند باشد و بطور خاص، جنگ‌های کهن، دستمایه‌هایی غنی برای آشنایی با شاعران از یاد رفته و آثار بر باد رفته نخستین دوره‌های شعر فارسی هستند. یکی از جنگ‌های باز مانده از قرن هشتم که تا کنون تصحیح و چاپ نشده، جنگ «یحیی توفیق» کتابخانه سلیمانیه ترکیه است. حال سوال اینجاست که جامع جنگ یحیی توفیق چه کسی بوده است و آیا ابیات نویافته از شاعران آشنا یا اشعاری از شاعران ناآشنا در این جنگ آمده است؟ گرد آورنده جنگ نامعلوم است اما شواهدی مبنی بر شباهت آن با دو جنگ «گنج بخش» و «سعد الهی» و ابیاتی در سعد الهی که تنها در این دو اثر آمده، این احتمال را مطرح میکند که هر سه نسخه از روی یک اثر کتابت شده باشند و احتمالاً جامع این جنگ نیز، سعد الهی مذکور باشد. بررسی دقیق این جنگ، تصحیح کاملتری از بعضی ابیات شاعران شناخته شده و ابیات نویافته آنها به دست میدهد و ابیاتی از شاعرانی ناآشنا در این جنگ دیده میشود.

کلمات کلیدی: جنگ اشعار، نسخه خطی، قرن هشتم، تصحیح، مضامین مشترک.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

dr.karimi.hanieh@gmail.com

^۲ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

h.ranjbar@ut.ac.ir

مقدمه

پس از دیوانها و تذکره‌ها که مستقیماً ما را در شناخت آثار و احوال شاعران و نویسندگان یاری می‌دهد، جنگها و سفینه‌ها مجموعه‌های گرانقدری است. که بهترین و مستندترین اطلاعات را درباره برخی اشعار فوت شده از دیوان بزرگان و معرفی شاعران گمنام ارائه میکند.

میتوان گفت یکی از بهترین و موثرترین عوامل آشنایی و همفکری شاعران و نویسندگانی که دور از هم و در نواحی مختلف میزیسته‌اند، همین جنگها و سفینه‌ها هستند؛ چه در قدیم آنچه در دسترس به دیوان شاعران نبوده است و جنگها نموداری از شعر و ادب سرزمین ما بوده‌اند. اهمیت این نکته تا آنجایی است که استاد فقید محمّدامین ریاحی در مقدمه «نزهه المجالس» از خلیل شروانی مینویسد: «غنی‌ترین دستمایه درباره شاعران از یادرفته و آثار بر باد رفته نخستین دوره‌های شعر فارسی، جنگهای کهنی است که از اواخر قرن هفتم تا اواخر قرن هشتم کتابت شده است.» (مقدمه نزهه المجالس، ریاحی، ص ۵۴).

بازنگری و بررسی دقیق این مجموعه‌ها، هم تصحیح کاملتری از بعضی ابیات شاعران شناخته شده و اشعار نویافته آنها به دست می‌دهد و هم دستیابی به آثار شعرای گمنام فارسی را ممکن میکند. از آنجا که جنگ یحیی توفیق در بردارنده ابیات بسیاری از شعرای معروف و همچنین شاعران ناشنای ادب فارسی است، تحقیق در آن میتواند ما را به ابیات نویافته‌ای از ایشان برساند و در تصحیح دقیقتر برخی ابیات، راهگشا باشد. این نسخه تاکنون، بطور کامل تصحیح و معرفی نشده است و احیای آن برای پژوهشگران حوزه ادبیات و نیز علاقه‌مندان به شعر پارسی، ضروری به نظر میرسد.

بحث:

۱- معرفی نسخه

۱-۱ - نگاه کلی

«مجموعه اشعار فارسیه للشعراء المتقدمین» (برگ ۱ / الف) جنگی است خطی، که به شماره ۱۷۴۱/۴۴۹ در کتابخانه توفیق یحیی ترکیه محفوظ است. این دستنوشته به روایت ترقیمه در سال ۷۵۴ ه.ق (برگ ۱۵۳ / الف) کتابت شده است. جنگ توفیق یحیی دارای ۱۵۵ برگ (یا ۳۱۰ صفحه) ۱۷ یا ۱۸ سطری است که با خط نسخ کتابت شده است. عنوانهای هر باب و نام شاعران به رنگ سرخ و برخی از صفحات دارای رکابه است. در برخی از برگها، کلماتی - به سبب قدمت نسخه - محو یا ناخوانا شده‌اند.

این نسخه با بیت زیر از سنایی بدون آوردن نام وی، آغاز میشود:

مکن در جهان زندگانی چنانک جهانی به مرگ تو دارند رای
(برگ ۱/ب)

به همراه نداشتن قسمتی در آغاز کتاب و همچنین بیتِ بالا که پس از عنوانِ «وله» آمده و بیتی دیگر که باز هم از سنایی نقل میشود، این امکان را قوت میبخشد که شاید قسمتی از آغازِ مجموعه افتاده باشد. اما در عکسی که در اختیار داریم، صفحهٔ عنوان (برگ ۱ / الف) پیش از این صفحه قرار دارد. شاید اشتباه این بیت و گویندهٔ آن، کاتب را از آوردن نام «سنایی»، بی‌نیاز کرده‌است.

۱-۲- فهرست باب‌ها

آنچنان که پیشتر بیان شد، این مجموعه مشتمل است بر منتخبی از اشعارِ فارسی که به صورت موضوعی انتخاب شده‌اند. فهرستِ ابواب این جنگ به شرح زیر است:

- ۱- باب فی امثال و الحکم (برگ ۴ / الف)
- ۲- باب فی القسمیات (برگ ۷ / ب)
- ۳- باب فی الشکایه الزّمان (برگ ۱۱ / الف)
- ۴- باب فی الافتخار و علو الهمه (برگ ۱۸ / الف)
- ۵- باب فی الصفه الربیع (برگ ۲۱ / ب)
- ۶- باب فی الصفه الصیف (برگ ۲۹ / الف)
- ۷- باب فی الصفه الخریف (برگ ۳۰ / الف)
- ۸- باب فی الصفه الشتا (برگ ۳۲ / الف)
- ۹- باب فی الغزل و الشیب (برگ ۴۰ / الف)
- ۱۰- باب فی الحسن التخلص (برگ ۵۳ / الف)
- ۱۱- باب فی المدایح (برگ ۵۴ / ب)
- ۱۲- باب فی المدح الاثنین (برگ ۶۴ / الف)
- ۱۳- باب فی مدح الخواتین (برگ ۶۴ / ب)
- ۱۴- باب فی اظهار الخلوص و المداومه علی الثناء (برگ ۶۵ / ب)
- ۱۵- باب فی الاشتیاق (برگ ۶۹ / ب)
- ۱۶- باب فی اهدای کتاب و السلام (برگ ۷۲ / الف)
- ۱۷- باب فی استدعاء الحضور (برگ ۷۳ / الف)
- ۱۸- باب فی التّهانی (برگ ۷۴ / ب)
- ۱۹- باب فی التمنی و الرجا (برگ ۷۷ / الف)
- ۲۰- باب فی نیل المراد (برگ ۷۹ / الف)
- ۲۱- باب فی الاستماحه و الاستعطاف (برگ ۸۲ / ب)
- ۲۲- باب فی استهدای الشّراب (برگ ۸۸ / الف)
- ۲۴- باب استهدای التبن و الشعیر (برگ ۹۰ / ب)

- ٢٥- باب فى الشكر (برگ ٩١/ب)
- ٢٦- باب فى العتاب (برگ ٩٥/الف)
- ٢٧- باب فى الاعتذار و الشفاعة (برگ ٩٥/ب)
- ٢٨- باب فى السقط عن الاوجاع (برگ ٩٩/الف)
- ٢٩- باب فى الرمد (برگ ١٠٠/الف)
- ٣٠- باب فى الجرب (برگ ١٠١/الف)
- ٣١- باب فى النهار و طلوع الشمس (برگ ١٠٢/الف)
- ٣٢- باب فى صفه الشمع (برگ ١٠٤/ب)
- ٣٣- باب فى صفه السراج (برگ ١٠٦/الف)
- ٣٤- باب فى صفه بیداء و الجبال (برگ ١٠٧/الف)
- ٣٥- باب فى صفه الصيف (برگ ١٠٨/ب) (كذا؛ السيف بايد درست باشد.)
- ٣٦- باب فى صفه القلم (برگ ١٠٦/ب)
- ٣٧- باب فى صفه الدوات (برگ ١١٢/الف)
- ٣٨- باب فى صفه الحرب (برگ ١١٣/الف)
- ٣٩- باب فى صفه الاشجان و الابطال (برگ ١١٧/ب)
- ٤٠- باب فى صفه الفرس (برگ ١١٩/الف)
- ٤١- باب فى ذم الفرس (برگ ١٢١/الف)
- ٤٢- باب فى صفه الفيل (برگ ١٢٢/الف)
- ٤٣- باب فى صفه الخط و الشعر (برگ ١٢٢/ب)
- ٤٤- باب فى مذمه الشعر (برگ ١٢٥/ب)
- ٤٥- باب فى صفه النار (برگ ١٢٦/الف)
- ٤٦- باب فى صفه الريح (برگ ١٢٨/الف)
- ٤٧- باب فى صفه الماء (برگ ١٢٩/ب)
- ٤٨- باب فى صفه الظلم و الفتن (برگ ١٣١/ب)
- ٤٩- باب فى القيد و الحبس (برگ ١٣٣/ب)
- ٥٠- باب فى الحث على السفر (برگ ١٣٤/ب)
- ٥١- باب فى الحث على المقام (برگ ١٣٥/ب)
- ٥٢- باب فى الشكايه عن البواب (برگ ١٣٦/الف)
- ٥٣- باب فى الهجا (برگ ١٣٧/الف)
- ٥٤- باب فى الشيب و التاسف على الشباب (برگ ١٤١/ب)

۵۵- باب فی المراثی (برگ ۱۴۵/ب)

۵۶- باب فی الادعیه و حسن المقطع (برگ ۱۴۷/الف)

۱-۳- رسم الخط

در آغاز نسخه بیشتر «دال» های فارسی به شیوه کهن؛ یعنی «ذال» نگاشته شده است، این روند در میانه نسخه کاهش می‌یابد؛ اما کم و بیش این شیوه نگارش تا پایان نسخه ادامه دارد. «ک»ها و «گ»ها در تمام متن به شکل «ک»، و «ج» و «چ» در همه جا به شکل «ج» نوشته شده است.

برخی از «که»ها به صورتی ما بین شکل کهن «کی» و «که» نگاشته شده‌اند. حذف یا افتادگی نقطه در نسخ خطی، ویژگی کلی است. بندرت نسخی یافت می‌شود که در این خصوص کامل باشد. در این نسخه هرگاه پیش از «د» فارسی (= ذ) حرف «ن» قرار گرفته، یکی از نقطه‌ها حذف شده است. در کلماتی مانند: گنبد، داند، ستاند و ... حذف همزه یا نقطه؛ در کلماتی مانند نیکویی و دلربایی که به صورتهای نیکوئی و دلربائی نیز ضبط شده، در بسیار از موارد، نقطه یا همزه آن حذف شده است.

«ء» به جای «ای» در کلماتی مانند بیشه (= بیشه‌ای)، افکنده (= افکنده‌ای)، ذره (= ذره‌ای) و .. «ها» و «را» در بیشتر مواضع به کلمه پیش از خود متصل است. نمونه‌هایی مانند: اسیرانرا (= اسیران را)، واقعهها (واقعه‌ها).^۱

استفاده از «ة» در کلماتی مانند: شکایت، حیات و ... به سیاق رسم الخط عربی.

استفاده از «ؤ» در کلماتی مانند: حیوة (حیات)

پیشوند «ب» بر سر افعال جدا نوشته شده است. مانند: به بیند (= ببیند)، نه بیند (= نبیند) در بعض مواضع به صورت ظاهری قافیه و ردیف توجه نشده است و صورت سماعی آن مدّ نظر بوده است. مانند (دگرست و گذر است) و (خبر است و خوشترست) (برگ ۳۸/الف)

۲- شاعران شناخته شده

اکثر ابواب این جنگ با ابیاتی از انوری آغاز می‌شود. جمال‌الدین عبدالرزاق، کمال‌الدین اسماعیل، خاقانی، سید حسن غزنوی، نظامی، سوزنی، مجد همگر (در اینجا با عنوان ابن همگر)، نزاری، اثیر اخسیکتی، ظهیرفاریابی، عطار، عبدالواسع جبلی، رشید و طواط، امامی، شمس طبسی، سراج الدین قمری، مسعود سعد، مجیر بیلقانی، فردوسی، سعدی، عنصری، عمادی شهریار، فخرالدین گرگانی، ابوالفرج رونی، اثیرالدین اومانی، رضی‌الدین نیشابوری، رفیع‌الدین ابهری، ازرقی، منوچهری، رودکی، اسدی طوسی، عثمان مختاری، سیف اسپرنگی، فرخی، امیر معزی، عراقی،

^۱- رسم الخط کهن در این مورد به شکل زیر است.

قطران، نجم دایه، رفیع الدین لبنانی، فلکی شروانی، ادیب صابر، اوحالدین کرمانی، سوزنی، نجیب الدین گلپایگانی (جرفادقانی و جرباذقانی)، همام تبریزی و شرفالدین شَفَرُوه اصفهانی از شاعران شناخته شده این جنگاند.

۳- شاعران

۳-۱- شاعران دیر آشنا

افضل الدین کرمانی

شاعر و نویسنده قرن ششم که مهمترین اثر به جا مانده از او کتاب عقد العلی للموقف الاعلی است. بخشی از اشعار او در مقدمه عقد العلی توسط استاد باستانی پاریزی نقل شده است. (مقدمه عقد العلی، باستانی پاریزی، ص ۷ - ۴۲). در کتاب شاعران قدیم کرمان اثر سید علی میرافضلی، اشعار بازمانده این شاعر نقل شده است (شاعران قدیم کرمان، میرافضلی، ص ۸۳ - ۱۱۶). در این جنگ علاوه بر برخی ابیات منقول در شاعران قدیم کرمان و منابع آن، ابیات دیگری از او نقل شده که در اینجا نمونه‌ای از آنها اشاره میشود.

هلال خفته چو چوگان زلف معشوقان
فتاده در خم او زهره همچو گوی ذقن
نمود ادهم شب را هلال و زهره به هم
چو طاس بر جم و چون طاق بر گردن
(برگ ۱۰۴ / الف)

باد کلاه رفعت گردون فرو نشاند
از احتشام گوشه دستار خویشتن
تا بر فکند دولت او طیلسان علم
بگسست جهان عقده زنار خویشتن
(برگ ۶۳ / الف)

شرفالدین مقبل کرمانی

شاعر قرن هفتم «که در دوران حکومت سلطان قطب الدین ابوالفتح (۶۵۵-۶۰۵ هـ) بر کرمان، منصب منشیگری داشته‌است» (شاعران قدیم کرمان، میرافضلی، ص ۲۴۵). علاوه بر برخی ابیات منقول در شاعران قدیم کرمان و منابع آن، ابیات دیگری از او نقل شده که در اینجا به نمونه‌ای اشاره میشود.

زمانه جز به رضای تو هیچ دم مزناد
وگر زمانه زند کردگار نگذارد
(برگ ۱۵۱ / الف)

ز خاک و خون رخ بدخواه و دیده خصمت
بسان روی بهی باد و دیده انگور
(همان)

نجم الدین حسن شهرویه

از شاعران قرن هفتم و از نزدیکان افضل الدین کرمانی و طیان بمی است. (شاعران قدیم کرمان، میرافضلی، ص ۲۶۷).

حل و عقد جهان به دست تو باد
ا که با بندی به لطف و بگشایی
حافظ و ناصر و معینت خدای
هر کجا میروی و می آیی
(برگ ۱۵۱ / ب)

طیان بمی

وی محتملاً در سده ششم هجری میزیسته است. (شاعران قدیم کرمان، میرافضلی، ص ۲۲۳ - ۲۴۲). در این جنگ، بمی را به صورت «بمبی» و گاه «یمبی» نگاشته است. علاوه بر برخی ابیات منقول در شاعران قدیم کرمان و منابع آن، ابیات دیگری از او نقل شده که در اینجا به نمونه‌ای اشاره میشود.

منت خدای را که همّت پذیر شد
یک‌چند عقل با فلک از درد چشم تو
کاخر چرا به درد کنی چشم آنکه مُلک
گفتش که ای به چشم وجود اندرون چو نور
از بهر دفع چشم بد خلق چند روز
برچیدم آن به چشم که از درد چشم
ای چشم‌روزگاره تو شادشاد باش

چشمت که جان دولت از این غم کبیده بود
ابروی خشم و کینه به هم درکشیده بود
در سایه حمایت او آرمیده بود
چون صبح دولتش به جهان درمیده بود
دردی اگر به چشم عزیزش رسیده بود
او یک‌هفته شادی از دل من هم رمیده بود
کان خود زکات روشنی هر دو دیده بود
(برگ ۹۹/ب - برگ ۱۰۰/الف)

ابوالمعالی نحاس

شاعر قرن پنجم هجری است. نام او در فرهنگ سخنوران ذیل نحاس اصفهانی آمده است. برخی منابع مانند تاریخ ادبیات در ایران (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ص ۶۰۱) و مقدمه استاد محمّدامین ریاحی بر نزهه المجالس از خلیل شروانی (مقدمه نزهه المجالس، ریاحی، ص ۵۶) وی را ابوالمعالی رازی معرفی میکنند. عباس اقبال در تعلیقات حدایق السحر (تعلیقات حدایق السحر، اقبال، ص ۱۱۸ و ۱۲۵) ابوالمعالی رازی و اصفهانی را یک نفر میدانند. شاید اصفهانی بودن وی از آن جا منشأ میگیرد که وی پس از امیرداد داد بگ حبشی بن آلتون تاق نایب سلطان بر کیارق بن ملکشاه، ستایشگر خاص خواجه نظام الملک شد (تاریخ جهانگشا، جوینی، ج ۲، ص ۳) و نیز (تاریخ بیهق، بهمنیار، ص ۲۷۰). از اوست:

همی برگ درختان را دگر بار
به زردی میل دارد رنگ رخسار

[زمستان] عزم آن کرده‌ست گویی
که ناگهان فرود آید ز کھسار

(برگ ۳۱/الف)

نظام الدّین یحیی

در قرون ششم و هفتم چندین شاعر با نام نظام الدّین می‌شناسیم؛ نخست «نظام البخاری»؛ نظام الدّین محمّد بن عمر بن مسعود بخارایی (لباب الالباب، عوفی، ص ۱۵۱ و ۱۵۹) همچنین (نزهه المجالس، شروانی، ص ۹۹ و ۳۶۴)، دیگری نظام الدّین قمری اصفهانی است که در قرن ششم و هفتم میزیسته است (مجمع الفصح، هدایت، ص ۲۲۰۳) و سدیگر نظام الدّین احمد، منشی

خوارزمشاهیان است که با نام نظام بخارایی مشهور است (مجمع الفصحا، هدایت، ص ۲۲۰۲). چهارم نظام الدین معاصر اباقاخان است که در قرن هفتم میزیسته است. ترجمه احوال وی ذیل نظام جامی در مجمع الفصحا آمده است. (مجمع الفصحا، هدایت، ص ۲۲۰۰). ابیاتی با نام او در این جنگ نقل شده است. نمونه‌ای از آن :

دلی که از غم رنج زمانه رنجور است شفای او به حقیقت شراب انگور است
(برگ ۴۰ / الف)

فخرالدین خالد

امیر فخرالدین خالد بن ربیع ؛ شاعر قرن ششم است که معاصر سنجر بن ملکشاه سلجوقی (۵۱۱ - ۵۵۲) است. انوری خطاب به او سروده است :

و علیک السلام فخرالدین افتخار زمان و فخر زمین
(سخن و سخنوران ، فروزانفر، ص ۳۵۸)

و این بیت انوری در جواب بیت زیر از فخرالدین است :

سلام علیک انوری کیف حالک مرا حال بی تو نه خوب است باری
(همان)

«وفات او مسلماً بعد از سنه ۵۴۴ که سنه قتل سوری است واقع شده.» (همان) رباعی زیر از اوست که از جنگ توفیق یحیی انتخاب شده است.

بیاتا بر رخ گل [می] گساریم حق فصل بهاران گل گزاریم
جهان خود ناخوشی در پرده دارد بیاتا مدتی خویش گذاریم
(برگ ۴۰ / ب)

رفیع الدین نسوی

از این شاعر در هیچ یک از منابع اثری پیدا نشد. شاید او رفیع الدین بکرانی ابهری باشد. در تاریخ گزیده آمده است : «از ابهر بود اما در کرمان نشستی ، در عهد غازان خان نماند.» (تاریخ گزیده، مستوفی، ص ۷۳۱) ابیات زیر از جنگ توفیق یحیی انتخاب شده اند :

ای ز صفرا فتاده در سودا در تمنای عارض بیضا
به جنون میکشد مگر سودات که به بند اندر است سر تا پات
فرق ننهند عالمی مردم جز به یک حرف از تو تا قلم
(برگ ۱۱۲ / الف)

مولانا سعدالدین بها

شاعری است در عهد سلطان اولجایتو که اطلاعاتی دقیق از او در دست نیست. (تاریخ گزیده، مستوفی، ص ۸۲۷) و نیز (فرهنگ سخنوران، خیام پور، ص ۲۶۸) ابیات زیر از جنگ توفیق یحیی انتخاب شده است :

می را تو همیشه با خردمندان خور یا با صنم تازه رخ خندان خور
بسیار مخور، فاش مخور ورد مساز اندک خور و گه گاه خور و پنهان خور
(برگ ۴۰/ب)

رباعی فوق به صورتی دیگر در میان رباعیات منسوب به خیام آمده است.

ناصرالدین بجه‌ای^۱

از معاصرین سعدی است «و شعر کم از وی شهرت گرفته» (رازی، ج ۱، ص ۲۰۸).
ساقی بده آن می مغانه اکسیر حیات جاودانه
آن باده که در بلور صافی روحیست به رنگ ناردانه
معجون فرح می است زیرا با خون کند از میان کرانه
گر نیست مروق صبوحی کو دردی جرعه شبانه
بازار خرد همه فسانه‌ست هان تا نخری تو زان فسانه
ناصر چو زمانه را بقا نیست زنهار مخور غم زمانه
(برگ ۴۰/الف)

بدیع‌الدین برکو

الاجل بدیع‌الدین ترکو السجزی، از شاعران قرن ششم است. عوفی ابیاتی از او نقل میکند (لباب الالباب، عوفی، ص ۴۹۰) و به پیروی از او دیگر تذکره‌ها. عنوان وی در این جنگ، بدیع‌الدین برکو آمده است. در لغتنامه دهخدا به نقل از برهان قاطع آمده: «نام شهری است که آن را برکو گویند.» (لغتنامه، دهخدا، ذیل برکوه). در این جنگ، ابیاتی نویافته از او موجود است، که به عنوان نمونه، بیتی نقل میشود.

دور دور توست ما هر دم تو را عاشق‌تریم چشم بد دور از جمالت! هر زمان نیکوتری
(برگ ۴۶/الف)

برهان‌الاسلام

«الصدر الکبیر برهان‌الاسلام تاج‌الملء و الدین عمر بن مسعود احمد» (لباب‌الباب، عوفی، ص ۱۴۶) از شاعران استاد قرن هفتم است. عوفی مینویسد: «در آن وقت که این داعی [= عوفی] به خدمت او تعلیم میکرد، پیش او فایق زمخشری میخواند.» (همان، ص ۱۴۷) نامه او به سلطان طمغاج خان بسیار مشهور است. (همان) از او ابیاتی در این جنگ نقل شده است، که در دیگر منابع نیامده است. رباعی زیر از اشعار نویافته برهان‌الاسلام است:

ای آنکه فلک قدر به فرمانت نهاد این قاعده دیده که دربانست نهاد

^۱ - بجه: قریه‌ای است از مضافات شیراز. (خیام‌پور، ۱۳۴۰: ۵۸۲)

گفتم که مرا باد همی باید گفت زمین پیش که روزگار بر جانست نهاد
(برگ ۱۳۷ / الف)

سعدالدین الهی

اطلاع کاملی از او به دست نیامد. جنگی با نام «سفینه سعدالهی» در کتابخانه مجلس موجود است، که ابیات منقول در آن تا قرن هشتم هجری است. کتابت آن با توجه به خط رساله بایستی پس از قرن نهم باشد. اشعاری که در این جنگ آمده مطابق با ابیات مندرج در آن سفینه است. جمال‌الدین خوارمی

در نزه المجالس (خلیل شروانی، ص ۶۴)، دیوان خاقانی (خاقانی، ص ۲۸۴ و ۸۲۸ و ۹۳۹ و ۹۴۷) و لباب الالباب (عوفی، ص ۲۲۹) از شاعری با نام جلال خوارمی نام برده شده است که به احتمال قریب به یقین هردو این یک تن هستند. باری! «امام جلال‌الدین فضل‌الله خوارمی، فقیه و واعظ و شاعر از مردم خوارمی بود و در نیمه دوم قرن ششم میزیست. جلال خوارمی با خاقانی دوستی داشت و مورد احترام او بود. خاقانی یک قطعه فارسی و یک قصیده عربی دو مطلعی ۱۷۲ بیتی در مدح او دارد.» (نزه المجالس، شروانی، ص ۶۴)

ابیات بازمانده از او در جنگ توفیق یحیی به شرح زیر است.

خسرو ز اصطلب معمورت - که آن معمور باد! وارث اعمار اسپان اسب بوعامر رسید
گفتمش: اسبا، قدیما خر نه‌ای آخر بگوی نا مبارک مقدمت از دور انجم کی رسید
گفت: تو بسیار دانی هیچ دانی من کی‌ام؟ من نخستین جانور کایزد تعالی آفرید
(برگ ۱۲۱/ب)

سراج‌الدین بلخی

از شاعران قرن ششم است. «به سراج‌الدین اعلا موسوم و ملقب بوده و در مدح خوارزمشاه در فضل و کمال و نظم و نثر ید بیضا ظاهر مینمود و از قدمای حکما است.» (مجمع الفصحا، هدایت، ج ۲، ص ۹۱۳)

ملک الملوکِ فضلم به فضیلت و معانی ز من و زمان گرفته به مثال آسمانی
بر همتم رسیده به کلاه کیقبادی بر حشمتم گذشته ز پزند گورخانی
سخنی از آفریده چو مروّت از فتوت هنر از من آشکارا چو طراوت از جوانی
ببرم هزار دل را به بدیهه معما بخورم^۱ هزار جان را به غلوطه نهانی
به مکاتبات نغزم شرف آرد این مقلد ز مغالطات جسمم حسد آرد ابن هانی
(برگ ۲۰/ب)

^۱ - شاید «نخرم» بوده است که به شکل «نخورم/بخورم» کتابت شده است.

شهاب الدین صادق

شاعری بدین نام در هیچ منبعی دیده نشده است. ابیات منقول از او در جنگِ توفیقِ یحیی به شرح زیر است:

نعود بالله هرگز این مباد که ما	به دور دولت تو در حدیث نان گوئیم
شکم به سنگ نبندیم ^۱ و در مقام سخا	سخن ز بخشش باران و بحر و کان گوئیم
شکسته‌وار چو اسلاف دودمان رسول	حدیث مرتبه بالای لا مکان گوئیم

(برگ ۲۱/الف)

شهاب‌الدین ادیب

شاعری با این نام و نشان در منبعی یافت نشد. دو بیت زیر در جنگِ توفیقِ یحیی از او منقول است:

شب آدینه و من مست و خراب	عاشقی در دل و در جام شراب
عاشق و مست و خرابم چه کنم	عاشق آن به که بود مست و خراب

(برگ ۴۹ / الف)

کمال‌الدین خران

از نام و نشان او اطلاعی بدست نیامد. بیت زیر از جنگِ توفیقِ یحیی انتخاب شده است.
رخ نیزه سر بریده نگونسار و مشکبار گویی که نوک خامه‌ دستور کشورم
(برگ ۵۴ / ب)

فخرالدین محمود

فخر الدین محمد بن محمود بن احمد نیشابوری سخنور سده ششم است که خدمت بهرامشاه غزنوی کرده است. عوفی رباعی که در آن زمان از او معروف بوده است نقل میکند و تفسیری پنجاه جلدی، در معنی آیه: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ تُبْصِرُونَ» (سوره الذاریات آیه ۲۱) را از وی بر می‌شمارد. (لباب الالباب عوفی، ص ۲۳۳) در لباب الالباب آثار دیگری از او معرفی می‌گردد. (همان، ص ۲۳۳ و ۲۳۴). بیت زیر از جنگِ توفیقِ یحیی است.

تو را به نیزه چه حاجت به دفع دشمن ملک	که موی بر تن خصم تو خود سنان آمد
---------------------------------------	----------------------------------

(برگ ۶۴ / الف)

بدرالدین وفا ملک

از نام و نشان وی اثری یافت نشد. از اوست:

سلامی که چون عقل جان پرورد	سلامی که چون جان روان پرورد
سلامی که از جان روایت کند	ز زلفین جانان حکایت کند
سلامی که در فصل اردیبهشت	روایت کند از نسیم بهشت
سلامی چو وصل بتان دلپذیر	هم آرام جوی و هم آرام گیر

(برگ ۷۲/الف)

شهاب‌الدین نظام الدوله

گویا او همان نظام الدین دبیر است و قطعه ای دارد در مدح فخرالدین محمود بن حامد والی^{۲۱} فقیه، برادر قاضی صدرالدین جندی (لباب الالباب، عوفی، ص ۱۳۱) به مطلع زیر:

لله درک یــــا نســــیم دبــــور الطلف الینا مره المروور (همان)
عوفی مینویسد: «و یکی از فضایل نیشابور قصیده‌ای گفته بود بر قافیت «با» و «تیغ» ردیف آن و نظام‌الدین جواب او بگفت.» (همان، ص ۱۳۲) خوشبختانه قصیده را نقل میکند و در ادامه مینویسد: «بعد از آن به حضرت خوارزم رفت و شنیدم که کار او بالا گرفت و دیوان انشا به اسم او نامزد شد و منصب عالی گرفت.» (همان) ابیات زیر از جُنگِ توفیقِ یحیی انتخاب شده‌اند.

سمعم شنید مژده دولت در این زمان روحم چشید شربت شادی از این خیر
کآواز داد هاتف و گفتا علی الصباح مژده دهید همه کس را به یکدگر
منت خدای را که به فیروزی و ظفر بگرفت بخت و ملک شهنشاه دادگر
(برگ ۷۸/ب)

۳-۲- شاعرانی که نامشان نیامده است

به جای نام سراینده بعضی ابیات با نام‌های لواحد، لواحد من الفضلا، لواحد من الشعراء، لغیره و فرد؛ مواجه میشویم. غیر از اینکه احتمالاً این ابیات در آن زمان هم بی‌نام و نشان بوده‌اند شاید از آنجایی که کاتب پس از نگارش متن یا قسمتی از آن، نام شاعران را کاتب با رنگی دیگر (شنگرف) مینوشته، به مرور نام شاعر فراموش شده و در زمان کتابت، وی از الفاظ مذکور استفاده کرده است. یکی از دلایل در اثبات این ادعا، افتادگی چند صفحه‌ای عنوان ابیات است که بیانگر این نکته است که کاتب پس از نگارش تعدادی ابیات، باز می‌گشته و نام سراینده‌گان را با شنگرف مینگاشته است.

۴-۳ نام شاعران براساس تعداد ابیات

ابن سینا ← ۳ / ابوالفرج رونی ← ۱۵ ابوالمعالی نحاس ← ۴۱ اثیرا خسیکتی ← ۹۳ اثیرالدین اومانی ← ۱۷۹ ادیب صابر ← ۱۱۳ ازرقی ← ۹۶ اسدی ← ۶۵ افضل الدین کرمانی ← ۱۷۴ امامی ← ۱۰۴ امیر معزی ← ۷۴ انوری ← ۲۴۰ بدرالدین وفا ملک ← ۴ بدیع الدین برکو ← ۸ جمال الدین عبدالرزاق ← ۲۰۷ جمال خواری ← ۴ خاقانی ← ۶۵ خواجه نصیر ← ۲ رشید وطواط ← ۷۰ رضی الدین نیشابوری ← ۶۲ رفیع الدین ابهری ← ۱۰ رفیع الدین برکه ← ۲ رفیع الدین لبنانی ← ۳۰ سراج الدین بلخی ← ۳۸ سراج الدین قمری ← ۶۲ سیف اسپرنگی ← ۳۹ سیف الدین اعرج ← ۳ سعد الدین بهاء ← ۲ سعدی ← ۹۸ سنایی ← ۷۱ سوزنی ← ۳۲ سید حسن غزنوی ← ۳۷

۱- در لباب الالباب تصحیح سعید نفیسی والی، دالی آمده است؛ شاید اشتباه مطبعی باشد.

شرف الدین مقبل ← ۱۲ شرف الدین شفروه ← ۳۷ شمس طبسی ← ۶۹ شهاب الدین ادیب
 ← ۲ شهاب الدین صادق ← ۳ شهاب الدین نظام الدوله ← ۴ صفی الدین ← ۲ طیان بمی ←
 ۸۲ ظهیر فاریابی ← ۱۴۵ عبدالعزیز لبنانی ← ۱ عبدالواسع جبلی ← ۱۵۶ عثمان مختاری ← ۲۴
 عراقی ← ۱۷ عطار ← ۵۰ عمادی شهریاری ← ۱۳۶ عمیق بخاری ← ۸ فخرالدین خالد ←
 ۲ فخرالدین محمود ← ۱ فردوسی ← ۱۸۶ فرخی ← ۱۱ فرید الدین احول ← ۲۳ فلکی شروانی
 ← ۱۰ قطران ← ۴ کمال الدین اسماعیل ← ۴۹۲ کمال الدین خراز ← ۱ مجد همگر ← ۸۳ مجیر
 بیلقانی ← ۴۹ مسعود سعد ← ۷۱ منوچهری ← ۲۷ مهستی ← ۲ ناصرالدین عسجدی ← ۶ ناصر خسرو
 ← ۸ نجیب الدین جربادقانی ← ۱۰ نزاری قهستانی ← ۳۹ نجم الدین حسن شهرویه ← ۱۶
 نجم دایه ← ۱۸ نظام الدین یحیی ← ۱ نظامی ← ۱۲۹ همام تبریزی ← ۲۵

۴- برخی ابیات نویافته

در سال ۱۳۷۲ علی اشرف صادقی در نشر دانش مقاله‌ای با نام «اشعار تازه‌ای از منوچهری» نگاشت. وی در آن مقاله به معرفی قسم بازمانده از جُنگِ گنج بخش و اشعار تازه منوچهری در آن دستنویس پرداخت. جُنگِ توفیق یحیی علاوه بر نقل آن ابیات، ابیات نویافته دیگری از منوچهری را شامل می‌شود. ابیات نویافته دیگری از بعضی شاعران دیگر نیز، در این جنگ آمده است که در مجالی دیگر به ذکر آنها خواهیم پرداخت. چند نمونه:

۴-۱- مسعود سعد

این جهانی ز هرچه مرد کند بهتر از خویشتن شناسی نیست
 و آن جهانی ز هرچه مرد کند بتر از خوی ناسپاسی نیست
 (برگ ۱/ب)

۴-۲- عبدالواسع جبلی

ایزد همی فزاید هر روز جاه تو تو نیز در رعایت خلقش همی فزای
 (برگ ۱/ب)
 به تدبیر و قرار و انتظار و تربیت گردد مه نو بدر و باران دُر و خون مشک و حجر گوهر
 (برگ ۵/ب)

۴-۳- عراقی

هوا درد است و می درمان درد است هوا گرد است و می باران گرد است
 (برگ ۳۸/الف)

۵- عراقی و سعدی

در این جنگ ابیاتی منسوب به عراقی آمده که برخی از آنها در دیوان سعدی نیز آمده است.
 ساقی بده آن کوزه خمخانه به درویش کانه‌ها که برفتند گل کوزه گراندند
 (برگ ۳۸/الف)

این بیت در میان غزل سعدی به مطلع زیر آمده است :
شوخی مکن ای یار که صاحب نظرانند بیگانه و خویش از پس و پیش نگرانند
(غزلیات، سعدی، ص ۵۴۱)

عراقی در جُنْگِ توفیق یحیی :
غنیمت دان اگر دانی که هر روز ز عمر مانده روزی میشود کم
(برگ ۳۸/الف)

این بیت در میان غزل سعدی به مطلع زیر آمده است:
رفیق مهربان و یار همدم همه کس دوست میدارند و من هم
(غزلیات، سعدی، ص ۶۱۵)

عراقی در جُنْگِ توفیق یحیی :
ساقی بده و بستان داد طرب از بستان کاین عمر نماند وین عهد نمیپاید
(برگ ۳۸/الف)

این بیت در میان غزل سعدی به مطلع زیر آمده است :
سروی چو تو میباید تا باغ بیاراید ور در همه باغستان سروی نبود شاید
(غزلیات، سعدی، ص ۵۶۳)

عراقی در جُنْگِ توفیق یحیی :
چه میخسبی ای فتنه روزگار بیبا و می لعل نوشین بیبار
(برگ ۳۸/ب)

این بیت به همین شکل در بوستان سعدی (بوستان، سعدی، ص ۵۵) آمده است.
چنانچه پیش از این شرحش گذشت؛ کاتب پس از نوشتن چندین صفحه باز میگذشته است و
عناوین را به شنگرف مینگاشته است و احتمالاً در اینجا کاتب به اشتباه به جای سعدی، عراقی
نگاشته است. البته در این میان بیت دیگری هم هست که در «ویس و رامین» آمده است و پیش از
آن بدان اشاره کردیم.

۶- قالب آثار

جُنْگ حاضر شامل قالبهای شعری از جمله : قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی، ترجیعات،
ترکیبات، مفردات، مسمط است که بیشترین قالب استفاده شده در این جُنْگ قصیده است.
قصیده شعری است که مصراع اول و مصراعهای زوج آن، همقافیهاند و تعداد ابیات آن از پانزده
بیت بیشتر است.

قصیده از نیمه قرن سوم هجری قمری در ادبیات فارسی به تقلید از شعر عربی پدید آمد. اینگونه
شعر، از آغاز شعر فارسی (قرن سوم) تا روزگار ما مورد توجه شاعران بوده اما روزگار اقتدار و رواج
فوق العاده آن، قرون سوم تا ششم هجری قمری است.

در این جُنْگ رودکی، فرخی، منوچهری، ناصر خسرو، مسعود سعد، انوری، خاقانی، سعدی و...
شاعرانی قصیده سرا هستند که مؤلف از قصاید آنها در جُنْگ استفاده کرده است.

۷ - موضوع باب‌ها

هر باب دارای موضوعی است که مؤلف متناسب با آن موضوعها از شاعران و گویندگان ابیاتی آورده است. اکثر اشعار در این جنگ جنبه تعلیمی و وصفی دارند. کوتاهی و بلندی هر باب بستگی به موضوع بابها دارد. مثلاً در باب وصف شراب، موضوعی است که اکثر شاعران در دیوان خود به کار برده‌اند. اما بابهایی هم در این جنگ کوتاه است که موضوع آنها مانند: وصف فیل، وصف اسب و... است که مسلماً این موضوعات نسبت به موضوع دیگر موضوعات کمتر به کار رفته است.

در کل، جنگ سراسر از موضوعاتی است که در حین مطالعه دیوانها به این موضوعات بر میخوریم. این جنگ منتخبی از اشعار زیبا و آموزنده از شعرای بزرگ سرزمین ما - ایران - است که همچون گلشنی سرسبز باعث طیب خاطر خوانندگان میشود. با بررسی این جنگ پی به سلیقه خوب و خوش ذوقی مؤلف برده و معلوم میشود که بر ادبیات پارسی کاملاً مشرف و آگاه بوده؛ در واقع متنی در این جنگ تهیه کرده که مطابق سلیقه خوانندگان است وی کوشیده است جنگی فراهم کند که از هر نظر - ادبی، علمی و هنری - تکمیل باشد. بخشی از این جنگ متعلق به معرفی شعرای شناس و با دیوان ما مانند: سنایی، خاقانی و فردوسی و... است و بخشی شامل معرفی شعرای ناشناس و بی دیوان است.

نتیجه

در این مقاله پس از مقدمه‌ای در اهمیت جنگها و سفینه‌های مخطوط، به معرفی جنگ خطی کتابخانه توفیق یحیی پرداختیم. در ادامه شناختی از شاعران گمنام این جنگ مانند: بدرالدین وفا ملک، فخرالدین محمود، شهاب الدین نظام الدوله، جمال خواری، برهان الاسلام، بدیع الدین برکو، نجم الدین حسن شهرویه، شرف الدین مقبل کرمانی و... که همگی در سده‌های ششم و هفتم میزیسته‌اند ارائه شده است.

با توجه به آنچه گذشت و مروری بر جنگ، میتوان دانست که جنگ توفیق یحیی اثر ارزشمندی است حاوی اشعار گمشده از شاعران متقدم شعر فارسی و در بردارنده نام و اشعار شاعرانی که در هیچ اثر چاپ شده فارسی نشان و رد پای آنها نیست.

منابع

۱. قرآن کریم.
 ۲. اشعار تازه‌ای از منوچهری، صادقی، علی اشرف (۱۳۷۲)، تهران: نشر دانش، سال ۱۳، مهر و آبان.
 ۳. بوستان، سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۲)، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
 ۴. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲)، تهران: فردوس.
 ۵. تاریخ بیهق، بهمنیار، احمد، (۱۳۱۷)، تهران: بی‌نا.
 ۶. تاریخ جهانگشای جوینی، جوینی، عطاملک (۱۳۸۸)، تصحیح: محمد قزوینی، تهران: نگاه.
 ۷. تاریخ گزیده، مستوفی، حمدالله (۱۳۳۹)، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
 ۸. حدائق السحر، وطواط، رشیدالدین، (۱۳۳۹)، تصحیح و تعلیق عباس اقبال، تهران: سهامی انتشارات اقبال و شرکاء.
 ۹. سخن و سخنوران، فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۵)، تهران: خوارزمی.
 ۱۰. شاعران قدیم کرمان، میرافضلی، سیدعلی (۱۳۸۶)، تهران: کازرونیه.
 ۱۱. عقداالعلی للموقف الاعلی، کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد بن حامد (۱۳۵۶)، تصحیح و اهتمام: علی محمد عامری نایینی، مقدمه دکتر باستانی پاریزی، کرمان: دانشگاه کرمان.
 ۱۲. فرهنگ سخنوران، خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۴۰)، تبریز: چاپخانه شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان.
 ۱۳. کلیات سعدی، _____ (۱۳۸۵)، تصحیح: مظاهر مصفا، تهران: روزنه.
 ۱۴. لغت‌نامه، دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۹)، تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۵. لباب‌الالباب، عوفی، محمد (۱۳۳۵)، تصحیح و توضیح: سعید نفیسی، تهران: علمی.
 ۱۶. مجمع الفصحا، هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۲)، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
 ۱۷. نزهه المجالس، خلیل شروانی، جمال، (۱۳۶۶)، تصحیح: محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
-

